

دكتور عبد الر حمن محمدودى

مدیر مسئول

انجینیر ولسی احمد عطیانی

هر دو شنبه و پنجشنبه به پشتو و

فارسی نشر میشود

نامه ملی - ادبی - اجتماعی و سیاسی

نداء خلق

جاده میوند - کابل

نمبر تیلفون

آدرس تلگرافی "خلق"

تاسیس ۱۲ حمل ۱۳۳۰

شماره بیست و دوم

سال اول

پنجشنبه ۲۳ جوزای ۱۳۳۰

++ در شورای ملی ++

بقیه جلسه روز يك شنبه ۱۹ جوزا

خسته - اگر وزیر موجوده ما لیه عذر لنگی پیش کرده و میگوید که چند ماه بعد نمیتواند غله خریداری راجع نماید - پس باید بهر سیم که وزرای قبل از ایشان چگونگی میتوانستند؟ این که ازدیاد معاش را بحد ۳۲ رسط داده اند - خلاف قانون است زیرا ماده ۳۲ صرف در خصوص لوايح قانونی بوده و آن هم در غیاب شورا است اما اکنون که شورا موجود است هیچ وزیری نمیتواند باین ماده استناد نموده و امری را با مضای ذات شاهانیه برساند - مردم ازین افزودی ها عموماً شکایت دارند زیرا بلو این افزودیه ها نیز بر دوش خلق تحمیل میشود - ملی برای هر زخم يك جبیره لازم است - اگر غله خریداری از دوش خلق رفع میشود زخم بزرگ التیام می یافت - اما این گفته سمدی: - چو رهزن خورش بردو سلطان خراج چه اقبال بینی دران تخت و تاج در این جا صدق میکند - پس اگر ما هر بار را بدوش خلق تحمیل میکنیم باید اقلایک بار را از دوش آن ها برداریم .

سید محمود خان وکیل غزنی - وقتیکه راهبر در کمیسیون زمستانی بوزرا پیش شد وزیر مالیه چنانچه همه وکلا شاهد اند بالای ما استهزا کرد (بعضی وکلا درست است) در حصه این که ما گفتیم که غله خریداری قرار تصویب شورا و تصد صدر اعظم صاحب در سال گذشته و نشر اخبار رسمی انیص باید از دوش خلق برداشته شود جواب دادند که باید مالیه را سه چند قبول کنید و چون ما این کار را خلاف عدالت اجتماعی و ظلم میدانیم قبول نکردیم زیرا تنها دهقان گناهکار نیست - ما و رفقای - کمیسیون ما چند روزی زحمت کشیده و مدارکی برای ۴۹ ملیون افغانی پیدا کردیم ولی اطلاع نداده شد - تیم که مبلغ مذکور را به تهیه احتیاجات و ازدیاد معاش ما مومین بکار میبردند درین باره به کمیسیون اطلاع نیی دادند (تائید وکلا) بنده این قسمت پیاپی ایقایی غبار را که گفتند که در صورت اطلاع ما مدارک دیگری تهیه میکردیم تائید میکنم - ولی تا وقتیکه اعلان نشده بود بنده خبر نداشتم - من هم بحیث يك وکیل بکا بیننده موجوده که همیشه به تصاویر شورا احترام نکرده و بان بر خلافی نموده و همواره قانون اساسی را شکسته و احترام نکرده و شورا و وکلا را مورد استهزا قرار میدهند اعتماد

اعلامیه حقوق بشر (۴)

اعلامیه حقوق بشر که قبلاً تا ماده ۱۷ ان نشر شده است برای این بوجود آمده که در مقابل ظلم و استبداد - فشار و تجاوز - خود سری و خود رائی خلق را در هر گوشه دنیا صیانت نموده و عبارت از محصله تمام علوم و فلسفه ها و تجارب و مجاهدات بشر بوده و یگانه راهی است که برای علاج بد امنی و اغتشاش در جهان سنجیده شده - زیرا اعلامیه حقوق بشر در مقدمه خود اعلام میکند که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد فشار و ظلم مجبور نگردد زیرا محاوره معروف تنگ آید بچنگ آید را شواهد و اسناد تاریخی ثابت میکند .

ماده ۱۸ - هر کس حق دارد که از آزادی فکر وجدان و مذهب بهره مند شود - این حق متضمن آزادی تفسیر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان میباشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است هر کس میتواند ازین حقوق منفرد یا مجتمعاً بطور خصوصی یا بطور عمومی برخوردار باشد (بمعنی ماده ۱۱ سن ماده خلاف قوانین اسلامی بوده و شاید افغانستان وسایر ممالک اسلامی با این ماده مخالفت کرده باشند نه باماده ۱۶ که سالنامه سال ۲۸ در صفحه ۶۳ خود متذکر میشود اداره)

ماده ۱۹ - هر کس حق آزادی فکر و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از دادن نظریات خود بیهوا ضطراب نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن بتمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد ماده بیستم - اول - هر کس حق دارد از آزادانه مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز تشکیل دهد (گروان تشکیل جمعیت و یا حزب در افغانستان نیز با اساس این تصدیق بین المللی آزاد است) دوم - هیچ کس را نمیتوان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد .

ماده ۲۱ - اول - هر کس حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود - خواه مستقیماً و خواه بوسیله طاعت نمایندگانی که از دانه انتخاب شده باشند شرکت جوید - دوم - هر کس حق دارد با تساوی شرایط - بمشاورت عمومی کشور خود تأیید - سوم - اساس و منشأ قدرت حکومت - اراده - مردم است - این اراده باید بوسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و بطور ادواری صورت پذیرد - انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رای مخفی یا طریق نظیر آن انجام گیرد که آزادی رای را تأمین نماید (بقیه در ص)

نداشته و باید بان ها رای عدم اعتماد داده شود (تائید و غفلت و کلا) .

محمد طاهر خان وکیل جفتو - بنده گفتار آقای غبار را تائید میکنم زیرا بحث در ضمایم قانونی در صورتیکه به قانون اساسی و تصاویر و رسی و کلا ی ملت احترام نشود سودی ندارد زیرا وزرای موجوده بقانون شکنی عادت کرده و ان را نیز می شکنند در حصه غله خریداری سال گذشته شورا بطور قطع فیصله کرد که باید این بار کمر شکن از دوش خلق برداشته شود ولی وزارت مالیه بر عکس امسال بر خلاف تصویب شورا چند ماه اولتر تخصیص غله را - تقسیم میکند و شاید از بعضی ولا یات گرفته هم باشد لذا وزرا یکبار دیگر اثبات کرده اند که نه فیصله شورا اهمیت میدهند و نه مواد قانون اساسی را احترام و رعایت مینمایند لهذا من باین وزرا قطعا اعتماد ندارم - (تائید و کلا) .

رئیس شورا - مسئله رای اعتماد در قانون ما تاکنون تدقیق نشده که است یا نیست بعضی اعضای کمیسیون زمستانی هم مطلع هستند و از بیانیته صدر اعظم صاحب قنار فرموده آقای الفت نیز اطلاع و کلا معلوم شده است - من تجویز میکنم که دوسه نفر از بین وکلا تعیین شود که بیانات صدر اعظم صاحب را با تصویبات شورا مطالبه کرده بنزد صدر اعظم و یا کفیل شان بروند و باینها بقیه نند تا غله خریداری مضطرب شود - زیرا تا جائیکه ممکن بود در اولان شورا به مکاتیب مکرر این مسئله راتصقیب نموده و وکلا نمیتوانند دوسه این موضوع را در دفتر شورا مطالبه نمایند محمودی وکیل کابل - چیزی را که رئیس صاحب بگفته شاغلی الفت استناد میکنند و با اطلاع و کلا استناد مینمایند در سال ۲۸ بوده نه در کمیسیون سال ۲۹ ولی بنده بحیث عضو - کمیسیون قطعا ازین موضوع اطلاع ندارم (تائید عمومی کمیسیون) - در حصه رای اعتماد و یا عدم اعتماد به وزرا قانون صریحا حکم میکند زیرا با اساس ماده ۷۶ - قانون اساسی و کلا فردا - فردا و کلا بیته بصورت عمومی در نزد شورا ایملی مسئولست فلذا باناس من این ماده در صورتیکه وکلا ی شورا با اساس ماده ۸۰ در خصوص يك وزیر سوء ظن پیدا نمایند میتوانند باین وزیر رای عدم اعتماد داده و ادعا نمایند تا وزیر مذکور بدیوان عالی سپرده شود چنانچه ما بهمین اساس سال گذشته تصویباتی هم نموده ایم - این مسئله عینا با اساس ما ده مذکور در خصوص تمام کابینه نیز صدق میکند پس من جدا تقاضا مینمایم که باید بکا بیته موجوده رای عدم اعتماد نظر بمتائید اکثریت وکلا ی حاضر مجلس تصویب گردد - اگر قانون صریحا در بین نهاد - تصاملا ت قانونی نیز برای این کار کفایت میکند مثلا در انگلستان بیشتر قوانین مکتوبه نبوده و بصورت تصاملا از مدت ها با یظرف حاکمیت دارند - میدانیم که قانون اساسی بمنزله نا موس ملل محسوب میشود و افراد ملت ها برای حفظ قانون اساسی هزاران ایثار و فدا کاری میکنند ما هم قانون اساسی داریم که در لویه جرگه ۱۳۰۹ به اجتماع يك عده زیادی از نمایندگان ملت تصویب شده -

است ولی از ان روز تا کنون جو یا ن امور در مملکت خلاف قانون اساسی صورت گرفته و همین کابینه موجوده اکثر مواد ان را شکسته و بان احترام نکرده اند مثلا ماده ۲۶ قانون اساسی میگوید که هیچ چیز از مردم خلاف قانون گرفته نمیشود ولی حکومت و مخصوصا وزارت مالیه همه - چیز را از مردم خلاف قانون گرفته است مثلا مالیه - محصول مواشی - محصول وثایق و محصول گمرکات - خلاف قوانین مکتوبه و مطبوعه چند چند بیشتر گرفته شده است - بر علاوه بعضی مالیات و محصولات عجیب دیگری نیز بر سایل و طرق دیگر از خلق گرفته میشود چنانچه یکی از اقسام این نوع ماجرا در اخبار نداء خلق نشر نموده ایم که (دوتزدك سرك در وقت يك نفر ما دور - رسی که اغلبا محمد اله و یا احمد اله امضا کرده است در يك کاغذیکه دو انج عرض و دو نیم انج طول دارد هشتاد افغانی کمیشن قرار امیره تیلغونی مدیر صاحب حمل و نقل گرفته است) گویا نه تنهها و زرا بلکه مامورین کوچک نیز حتی به پوزه های بسیار کوچک حسب میل خود از خلق محصول گرفته بول میگیرند - آیین مالیه جدید در شورا تصویب شده و شما از ان اطلاع دارید ؟ و این محصول از تمام دریورانیکه بطرف مشرق حرکت میکنند رسد گرفته میشود - در حصه غله خریداری که خلاف قانون اساسی از مردم گرفته شده و گرفته میشود سال گذشته صدر اعظم در مجلس عمومی شورا تصدیق نمود که در سال ۳۰ این بار گران باید از دوش خلق برداشته شود و بهمان اساس و کلا خاموش ماندند که بودجه بدون تصدیلات در اثر درخواست صدر اعظم از شورا بگذرد ولی برخلاف این تصدیق رسی صدر اعظم و تائید اکثریت و کلا و تشریسی اخبار انهمس وزیر مالیه در هفته گذشته در کمیسیون اظهار داشت که من تخصیص غله خریداری را بمسئولیت خود میخلق تو زیع میکنم پس گویا هر وزیر در کابینه موجوده خود سر و خود مختار است اجراء کابینه موجوده و تقایح - اجراءات شان که عبارت از فقر و فاقه و بوهنگی عمومی است بیه و کلا معلوم است (تائید و کلا) پس بحقیقه من يك شهروانیکه نمیتواند بهمینجه وزرا که بقانون اساسی و سایر قوانین مملکت و تصاویر و کلا احترام نمیکند نمیتواند رای عدم اعتماد دهد پس عدم ان نسبت به موجودیت ان نمیتوانست و ما نباید ملت را باینهم شورا فریب دهیم الفت - من خیلی متعجبم که رئیس صاحب با متنا دگفته بنده با اطلاع و کلا حکم میکنند بنده گفتیم که مدارك - مذکور برای رفع غله خریداری از طرف شورا بحکومت پیشتر شد و گفته صدر اعظم صاحب هم در سال ۲۸ بود ولی بهر صورت حتی اگر مدارك مذکور از طرف حکومت برای از دیار ممانی بشود عرضه شود با هم و کلا نمیتواند ان را برای رفع غله خریداری از دوش مردم بکار ببرد و هیچکدام مانع قانونی و جود ندارد و قرار فرموده رئیس صاحب سندی برای حکومت شده نمیتواند

رئیس - مقصد من این نیست که کدام دلیلی برای کا بینه پیدا کنم بلکه گفتم که بعضی وکلا اطلاع دارند که مذاکره مذکوره برای افزودن مفاصل گرفته شده است.

ننگرهار خان وکیل مهمند دره - همه گفته وکلا صحیح و قابل تصویب است - همه ظلم ها و خود سرها در مملکت از همین سبب است که بقانون و تصویبات شوراهات - ارام نمیشود - حتی اکنون ما وکلا و شورایی در نزد خلق بعضی نداشته و در بازار ها و در همه جا مردم شورای یابی را شور و آملی میگویند و اگر تصویبات شوراهات قانون اساسی و سایر قوانین در مملکت احترام نمیشود پس باید همه ما رخصت گردیم و شورا مسدود شود.

نظر محمد خان نو وکیل میمنه - از عرصه که بشوایا گرد آمده ایم تا حال به کدام نکته نرسیده ایم - آرزوی که ملت هم نظر بفرماید و حکومت داشت براسانجا مید زبوا آن وعدده نصیب بشوایا خلق را امید وار میساخت ولی امروز متاسفانه دست ملت و بابه یخن شورا انداخته حتی در کوچه و بازار ریاست و وزارت - شهر - اطراف دور و نزدیک همه خلق از ما بی خبرند که شما وکلا چه کرده و چه میکنید و برای رفع حال زار خلق چه چاره پیش میگیریم و چه تصاویر کرده و می کنیم - رئیس صاحب بهتر میفهمند که انسان وقتی شرافت مند زندگی میتواند که ازادی صحیح داشته باشد و از آزادی مشروع که حق فرد بشر است بی بهره نباشد اما ما را آزاد نگذاشتند و بمقابل تصاویر و اراده شوراهای پیشتر کردند و اگر نه شورایی کارهای مفید میکند و احتیاجات خلق را تا اندازه رفع و وضع عمومی را بهبود میداد طبقات را ن وقت از ازادی خود صحیح استفاده کرده میتوانستیم و شرافت مند میزیستیم و افتخار میکردیم ولی ما این جا (اشاره بصالون) در شورا میائیم نظر بفرماید قانون مصوبیت داریم ولی حرف های ما ازین جا بیرون نمیروید و در خارج شورا از تنقیدات مردم بیچاره انقدر تکالیف میبینیم که مرگ را شیرین تر می یابیم و ما وقتی از دل خلق میائیم که بطواف و ولایات میرویم و ظلم و استبداد حکام را از نزدیک مشاهده میکنیم و میبینیم که همه خلق متوجه ما بوده و بطرف جناب وکیل خود نگران است و میگویند که شما برای همین هستید که بروید پلو بخورید؟ مالا بنشینید؟ تنخواه بگیرید؟ اگر چنین نیست پس چرا غم ما را نمیخورید - بمقابلان ها جز سکوت و فشار روحی جواب نداریم لیکن وقتی که این جا میائیم بی بینیم از هر طرف موانع پیشروی ما وجود میکند و وزیر تصاویر اعتنا نمی نمایند - اگر اصرار کنیم سودی نمی بخشد - خلاصه وزرا نه کار میکنند و نه استعفا میدهند و نه تصاویر شورایی مملکت و قانون اساسی را قابل اهمیت میدانند پس تا چه رسد بهمکاری و موافقت با وکلای ملت؟ بمحقیده بنده اولا وزرای اخلاصستان فصال ما یشاء بوده هر چه خواسته اند کرده است و هر چه میخواهند میکنند زیرا تا امروز هر وزیر حرف خود را قانون دانسته و کسی حق نداشته که حرف غیر قانونی وزیر را رد نماید و یا حتی در اطراف حرف کدام نائب الحکومه و حاکم اعلی خورده گیری و امتناع مشروع بعمل بیآورد لهذا وزرا در مرکز و نائب الحکومه ها و حاکم اعلی در

ولایات بخدم رعایت قوانین عادی گرفته اند و خود سرا نه هر چه بخواهند میکنند - علت دوم اینهمه بد بخاطر این است که وزرا قطعاً با خلق و ملت آشنا نبودند و بواسطه ندارند زیرا همه اطلاع دارند که یک وزیر با لباس بسیار عالی و شیک بالای موتر تیز رفتار ساعت ۱۰ وارد وزارت خانه میشود در وزارتخانه از طرف مأمورین با بهترین نوع احترام میگردد و از آن جا بمنزل عالی خود میسر میگردد چنانچه منزل شخصی شاغلی وزیر صاحب هم با سوسه اختصاصی خلق بسیار فرق داشته بل با مدتی ترین زندگانی عصر مشابهت و بعضاً برتری دارد لهذا از دور هائیکه در نزد یک یتیم - یک بیوه زن - یک فقیر - یک دهقان - یک معلم - یک محصل و خلق است اطلاع نداشته و درین چاره نبوده و نمیباشند باقی بسوی خودشان هم چاه است و هم جلال لهذا یا با خبر نمیشوند و یا اعتنا نمیکنند؟ علت سوم - خداوند بزرگ با وجود اقتدار کامله برای نظم کلام کائنات و مجازات و لازم دانسته و گنهار را بدو رخ و روز جزا متوجه نموده و نکو کار را وعده پاداش بخشیده ولی در مملکت ما مکافات و مجازات وجود ندارد و تا امروز کسی جز غریب و بیچاره در مقابل جرائم خود محاکمه نگردیده و بسزا نرسیده مثلاً: رئیس صاحب شوراپور میفهمند که احتیاج امروز ما به وضع زراعت است و احتیاج مذکور از طرف عموم طبقات و حتی حکومت حس گردیده و طبق ان (عتیق خان) رئیس زراعت سابقه از پول خلق غریب از عرق جبین دهقان و از رنج دست مردم بخارج رفته و بعضاً مالک اروپائی را سیاحت کرد تا پلانی ترتیب داده و زراعت ما را که در حال اولیه و دور سنگ با قیمته نجات بدهد و داخل چوکات یک پروگرام سر برآید بسا زدولی نه از پروگرام او و نه از پلان او سرو صدائی بلند شد و چنینکه وارد کابل شد چند روز بعد پطور او توما تیکی سفیر چکوسلوا کیسه مقرر گردید - در این جا ملتی در کار بود که محاکمه می نمود چون چنین قوه نیست و ملت بکلی از بین رفته وزرا بی اعتنا شده و از همین سبب است که نمیخواهند شورا مصدر کوچکترین خدمت شود زیرا جاه و جلال شان از زمین میروند و ملت در آنوقت میداند - بمحقوق خود آگاه میشود که حکومت تا امروز ان ها را فریب داده و اغفال کرده و میکند از همین جهت ملت را دایماً جا هل و بی تربیه نگاه میکنند تا بمحقوق خویش تفهمند ما که وکلای ملت هستیم بفرمائید که چه حال داریم؟؟ وضعیت امروزی شورا - وضعیت نان خوردن وکلا - صورت جای نشیندن وکلا - لباس وکلا - اثاثیه سالن جلسه و عمارت - شورا را در انتظار خفیف جلوه میدهد زیرا اگر در کدام وزارتخانه و یا کدام ریاست تشریف ببرید می بینید که اثاثیه چه نوع و صالون نان و غیره چه قسم است؟ وقتی که ملت باین نکته متوجه میشود طبعا ضعف شورا به نظرشان جلوه میکند (بقیه در اتی)

تصحیح - در شماره ۲۱ ص ۲ ستون ۲ مضمون آقای دهقان - عزت النفس به ضبط نفس تصحیح شود.

خلق و خلق :

شاغلی محمد دین ثانی از میهنه چه زیبا میگویند که بنده (گویایک کاپینه ۲۰ ساله و غیر انتخایی و دائی و غیر یک عمر بدو اثر و سی کار نمودم اما هنوز نفهمیده ام که فرمان مسئول در دنیا وجود نداشته و قانونی نیست) "صدارت محظی" در مورد اجزای پیشکی مامورین رسمیت دارد و یا نظریه یک کاتب و مامور؟

شاغلی ع ح از شیرپور خاطر نشان میسازند - هرگاه بواسطه عدم توجه شاروالی در تنویر - توافیک - آب رسانی و غیوه با اهالی شهر خساره وارد میگردد - همان قسمت اهالی میتوانند از راه محاکم عدلی خساره وارده را از بلدی در یافت دارند زیرا بلدی در مقابل همین تکالیف و وظایف محصول اخذ میدارد - هر شهری حق شهری بودن خود را محفوظ و ثابت میداند و شاروالی بدون توجه در رفاه خلق از جهات ممینه حق - خذ هیچگونه محصول را ندارند و وظایف بلدی که طبق نقشه های هیئت فنی بشهر سازی و اصلاحات دیگر پرداخت در "شیرپور" ۵ - ۶ سال میگردد هنوز تنویر - سرك - و وسایل اب رسانی در ك ندارد .

نداء خلق - بر حسب و وظیفه . . .

حافظ وظیفه تودعا گفتن است و پس

در بند ان مها شرکه نشنید یا شنید

صدای شما را بشاروالی رسانندیم .

شاغلی ستا و طبیبی اروز دارند تربیه دیمو کراسی از دبستان ها شروع گردد و معلمین با نظریه مساوات و عدالت اطفال غریب و چو کین را با حویرپو شان با یک چشم دیده و رعایت نمایند این که از بینوا لا حول گویند و برای بانوا امتیازی قایل شوند .

نداء خلق - از شروع حیات مدنی تا امروز هر چه بوده در دنیا خدمتگاران حقیقی بشر و نوابغ از همین طبقه پرهیز و خرابه نشین بوجود آمده اند . . . خا طر جمع باشید .

از قافا موسریا : ششدرک - درك شش

جنتلمین	فرتگی مفلس
محافظة کار	شا همین ترا زو
سقوط رجب خان	رای اعتساف
مشاور	پیشخدمت

شرح اشتراك

کابل -	۴۰ افغانی یا لاته
ولایات -	۴۵
خارج -	۵ دالر
ار	تکشماره ۵۰ پول
	مطبوعه گسترنداء خلق - کابل

بقیه اعلامیه حقوق بشر

خواندنیهای خلق : بشناسا
بصینك سیاهانین همیشه بهما شر و پونج و دم بوده
بافکار شا عریدیوانگی بهما لوان مرغك خانگی
به نصوا رکش مردك ذوقتون که تف کرده در گوشك تیلفون
به پای پیاده و بیموتی به بخت سیاه و باین پنجری
برندا نیست در عبا های شیخ که گاهی بفصل میزند که بمیخ
با سبیکه تا دیده دستك زدن بهر سبیکه در کیسه خیزك زند

به چن و چن و چن و چن و چن

به کی و کی و کی و کی و کی

که اگر اعتدالی بود بار کشر ویا ارتجاعیست نصوا رکش ویا انقلابی کند رستخیز نپاشد بمضمون من جز گر بهز (لا غر الشراء)

خبرهای اژانس ششدرک -

از خاوج - والا حضرت صدر اعظم افغانستان در ۱۵ جون جانب وطن حرکت می نمایند . مکی واصل آبادان شد و بر تصفیه خانه های نفت میرقهای ملی ایوان افراشته - گردید . در عراق و مصرف و کانال سوئس را میخواهند ملی سازند . ۲۵ نفر جویده نگاران در پاکستان گرفتار گردید - ۲ نفر مامور رسی بوظانیه که با استناد مهم سیاسی فرار نموده بودند به پراگ رسیده اند . در داخل - محاکمه شاغلی صافی - بالاخر شروع گردید مودیکه خود را در داده بود هنوز از رنج زندگی خلاص نشده شاید بالا بودن قیمت بطول ازین است که دیگر گرانی تیل را فهمیده و از سرختادن خود اشخاص صورتظر نمایند . طبق اطلاع غیر مصدقه حاکم یگرانی محمد سورو نام مو سفید را روزه بدهن در آفتاب بدرخت مصلوب نموده (بسته کرده) میگویند در ماده ۱۹ قانون اساسی زجرو شکنجه معفو است بفرمایند . در قایق اخیر نمایند ششدرک "مامور" مشهور ادر کاف؟؟ جدا از ۳۵ یا فته و گویا بشرا بار کرده آورده است - نزدیک است تا ما مور برای تخلص و برای ولادت لقب ملی شود یعنی ما موری که هرگز مدیر نمیشود (ازین چه بهتر)